

## دیدگاه علامه مجلسی در استفاده از اخبار و منابع

### اهل سنت در بحارالأنوار

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۶ - تاریخ تأیید: ۹۶/۴/۲۳

احسان سرخه‌ای\*

#### چکیده

بررسی دیدگاه علامه مجلسی در بهره‌مندی از احادیث گزارش شده از سوی اهل سنت و آثار حدیثی نگارش یافته ایشان، موضوع این نوشتار است. هم‌چنین تلاش شده، رویکرد مؤلف بحارالأنوار در استفاده از منابع اهل سنت در دیگر حوزه‌های علوم بازتاب داده شود. تصریحات علامه مجلسی و شواهد مختلف، گویای آن است که وی، استناد به احادیث روایت شده از سوی اهل سنت را مجاز نمی‌داند؛ اگرچه او برخی موارد خاص را از این قاعده استثنای نموده است. این در حالی است که در تبیین و شرح احادیث بحارالأنوار، به گستردگی از آثار اهل سنت استفاده کرده است. تنوع این منابع در علوم مختلف، نشان‌دهنده گستره استفاده علامه مجلسی از منابع اهل سنت در شرح احادیث بحارالأنوار است.

**کلید واژه‌ها:** علامه مجلسی، بحارالأنوار، اهل سنت، منابع، روایات.

## مقدمه

علامه مجلسی در ابتدای *بحار الأنوار* مقدمه‌ای در چند فصل نگاشته است. فصل اول این مقدمه با عنوان «الفصل الأول فی بیان الاصول و الکتب المأخوذ منها»، به بیان فهرست منابع و مصادر کتاب اختصاص یافته است. وی در این فصل - که به منزله فهرست منابع کتاب بوده و در دو بخش منابع شیعه و سنی ترتیب داده شده - نزدیک به ۴۰۰ کتاب از منابع شیعه و ۸۵ کتاب از منابع اهل سنت را نام می‌برد. این مجموعه، غیر از منابعی است که در ضمن مباحث مختلف کتاب از آن‌ها استفاده شده است.

علامه مجلسی در مقدمه *بحار الأنوار*، منابع اهل سنت را در قالب سه گروه معرفی کرده است.

الف. کتاب‌های لغت، معانی بیان و بلاغت (۲۰ عنوان)؛

ب. کتاب‌های شرح روایات (۱۳ عنوان)؛

ج. منابع روایی و متون اخبار (۵۲ عنوان).

مجموعه اخیر، مصادر تاریخ، مناقب و تفسیر را نیز شامل است.

## الف) منابع اهل سنت

فهرست عناوین برخی از مهم‌ترین منابع روایی و متون اخبار که علامه مجلسی آن‌ها را به

ترتیب در مقدمه *بحار الأنوار* ذکر نموده عبارتند از:

۱. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل البخاری (م ۲۵۶ق)؛

۲. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج النیسابوری (م ۲۶۱ق)؛

۳. الموطأ، مالک بن انس (م ۱۷۹ق)؛

۴. سنن ابی داوود، سلیمان بن اشعث السجستانی (م ۲۷۵ق)؛

۵. سنن الترمذی، محمد بن عیسی الترمذی (م ۲۷۹ق)؛

۶. سنن النسائی، احمد بن شعیب النسائی (م ۳۰۳ق)؛

۷. جامع الاصول فی احادیث الرسول، مبارک بن محمد بن الاثیر (م ۶۰۶ق)؛

۸. فردوس الاخبار بمأثور الخطاب، شیرویه بن شهردار الهمدانی الدیلمی (م ۵۰۹ق)؛

۹. ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، احمد بن عبدالله الطبری (م ۶۹۴ق)؛

۱۰. تاریخ الفتوح، احمد بن اعثم الکوفی (م ۳۱۴ق)؛

۱۱. تاریخ الطبری، محمد بن جریر الطبری (م ۳۱۰ق)؛

۱۲. المقتل، لوط بن یحیی بن سعید الازدی (ابو مخنف) (م ۱۵۷ق)؛
۱۳. اخلاق النبی و شمائله ﷺ، الحسن بن ابی القاسم التنوخی (م ۳۸۴ق)؛
۱۴. الفرج بعد الشدة، الحسن بن ابی القاسم التنوخی (م ۳۸۴ق)؛
۱۵. معالم التنزیل، حسین بن مسعود الفراء البغوی (م ۵۱۶ق)؛
۱۶. جواهر المطالب فی فضائل مولانا علی بن ابی طالب ﷺ، محمد بن احمد الدمشقی الباعونی (م ۸۷۱)؛
۱۷. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن ابی الحدید (م ۶۵۶ق)؛
۱۸. الفصول المهمة فی معرفة الائمة ﷺ، علی بن محمد المالکی (ابن صباغ) (م ۸۵۵ق)؛
۱۹. مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول ﷺ، محمد بن طلحة الشافعی (م ۶۵۲ق)؛
۲۰. التقرب / تقرب التهذیب، احمد بن علی بن حجر العسقلانی (م ۸۵۲ق)؛
۲۱. المناقب، الموفق بن احمد بن محمد الخوارزمی (م ۵۶۸ق)؛
۲۲. المناقب، علی بن محمد الواسطی الجلابی (ابن المغازلی) (م ۴۸۳ق)؛
۲۳. مسند/ احمد، احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق)؛
۲۴. التفسیر الکبیرا مفاتیح الغیب، محمد بن عمر الرازی (الفخر الرازی) (م ۶۰۶ق)؛
۲۵. الکشاف عن حقائق التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری (م ۵۳۸ق)؛
۲۶. انوار التنزیل و اسرار التأویل / تفسیر البیضاوی، عبدالله بن عمر البیضاوی (م ۶۹۱ق)؛
۲۷. الدر المنثور، عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی (م ۹۱۱ق).

با تحقیقی که نگارنده در طول مراجعه به مصادر علامه مجلسی در بحار الأنوار انجام داده، روشن می‌شود که بسیاری از این عناوین، مصادر با واسطه ایشان بوده و تعداد منابع بدون واسطه وی، بسیار کمتر از این تعداد است. به عنوان نمونه، او برای نقل از برخی منابع، از منابع واسطه همچون المناقب ابن شهر آشوب و یا برخی آثار سید بن طاووس بهره برده است. عبدالهادی مسعودی نیز در پژوهش خود، نزدیک به ۲۰۰ عنوان از مصادر اهل سنت که علامه مجلسی از آن‌ها بهره برده را شناسایی و معرفی کرده است. وی این منابع را در قالب موضوع‌های مناقب، امالی‌ها و جُنک‌ها، ادبی، شروح حدیث، حدیث، تاریخ، رجال، تراجم و علوم قرآنی سامان داده است.<sup>۱</sup>

۱. مقاله «استفاده علامه مجلسی از منابع اهل سنت»، عبدالهادی مسعودی، یادنامه مجلسی، ج ۲، ص ۲۴۷-۲۶۰.

## ب) منع استفاده از اخبار اهل سنت

علامه مجلسی، اهل بیت علیهم السلام را تنها مرجع تفسیر سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معیار تشخیص حق از باطل معرفی می‌کند؛ وی در این باره می‌گوید:

علوم بسیاری به عموم مردم بخشیده شده است؛ اما معیار این علوم و جدا کننده بین حق و باطل و تفسیر، گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله، در نزد اهل بیت علیهم السلام است. بنابراین آن چه در دسترس مردم است، مفید نخواهد بود مگر با رجوع به ایشان علیهم السلام.<sup>۱</sup>

او معتقد است اخبار موجود از طریق اهل بیت علیهم السلام برای کشف حقایق کافی است؛ از این رو در مورد نقل روایات از کتاب تنبیه الخاطر به دلیل اشمال آن بر اخبار عامه می‌گوید:

ما همه آن چه در این کتاب بود را نقل نمودیم، بلکه اکتفاء نمودیم بر نقل آن چه مورد اعتماد است؛ زیرا به برکت ائمه طاهرين علیهم السلام نیازی به اخبار مخالفان نداریم.<sup>۲</sup>

مؤلف بحار الأنوار اجتناب از نقل و استفاده از روایات اهل سنت را به عنوان یک اصل پذیرفته است. او رجوع به اخبار دیگران را از موارد نهی شده می‌داند؛ بنابراین در عنوان یکی از باب‌های بحار الأنوار بر این امر تأکید کرده و آورده است: «باب ما ترويه العامة من أخبار الرسول صلی الله علیه و آله و أن الصحيح من ذلك عندهم علیهم السلام والنهي عن الرجوع إلى أخبار المخالفين وفيه ذكر الكتابين».

علامه مجلسی پس از آوردن روایات «من بلغ»، به نقل چهار اشکال وارد شده بر تسامح در ادله سنن پرداخته و به آنان پاسخ می‌دهد. او در نهایت می‌پذیرد که در عمل به مستحبات می‌توان به اخبار ضعیف عمل نمود، اما با این حال رجوع بعضی از اصحاب به اخبار اهل سنت در مستحبات را خالی از اشکال نمی‌داند. وی در این باره می‌گوید:

پس بدان که برخی از اصحاب، در مستحبات به اخبار مخالفان و روایات ایشان رجوع می‌کنند و آن‌ها را در آثارشان نقل می‌نمایند، در حالی که این کار خالی از اشکال نیست. زیرا در اخبار بسیاری، از رجوع به ایشان و عمل به اخبارشان نهی شده است. به خصوص اگر در این اخبار، هیأتی نوپدید و عبادتی جدید وارد شده باشد که نمونه آن در اخبار معتبر مشاهده نشده است.<sup>۳</sup>

وی هم‌چنین در «باب أعمال الأسبوع و أدعيتها و صلواتها» پس از نقل نمازهای مختلف از

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۱۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۹.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۵۷.

مصباح‌المتجهج، جمال‌الاسبوع و البلد‌الامین، در توجیه گزارش برخی اخبار می‌گوید:

بدان که ما نمازهای نقل شده از طریق مخالفان از ابی هریره و انس و ابن مسعود و مانند آن‌ها را به پیروی از شیخ طوسی و سید بن طاووس و دیگر اصحاب نقل نموده‌ایم. بهتر آن است که به اخبار نقل شده در منابع معتبر اصحابمان که از ائمه علیهم‌السلام گزارش شده، عمل کنیم. زیرا فرصت برای عمل به اندکی از بسیار نمازها، دعاها و اذکار روایت شده از ایشان علیهم‌السلام وجود ندارد. پس ترک این همه و عمل به آن‌چه آن‌ها روایت کرده‌اند با وجود ضعف در گزارش ایشان، عملی بی‌پشتوانه و دور از شیوه ناقدان اخبار است.<sup>۱</sup>

او مشابه همین سخن را در «باب الصلوات التي تهدى إلى النبي والأئمة صلوات الله عليهم أجمعين و سائر أموات المؤمنین» آورده است.

علامه مجلسی در «باب النهی عن أخذ فضائلهم من مخالفهم» حتی گرفتن روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام از طریق اهل سنت را نیز غیر مجاز می‌شمرد. او بارها بر نپذیرفتن روایاتی که مصادر کتابش از طریق اهل سنت نقل نموده‌اند، تأکید ورزیده است. برای نمونه، وی پس از آوردن خبری از مناقب ابن شهرآشوب به دلیل نقل از طریق مخالفان، آن را نادرست دانسته است. او هم‌چنین پس از نقل حدیثی نبوی از کتاب جامع‌الاخبار می‌گوید:

این از روایات مخالفان است که مؤلف آن را نقل نموده، اما من به آن اعتمادی ندارم.<sup>۲</sup>

علامه مجلسی غیر از تنبیه *الخاطر*، بر برخی دیگر از مصادر کتابش که روایات امامیه و مخالفان را بدون تمییز نقل نموده‌اند، خرده گرفته و میزان نقل از آن‌ها را محدود گزارش می‌نماید. او *غوالی‌اللالی* و *نثر‌اللالی* و *جامع‌الاخبار* را در این گروه جای داده می‌نویسد:

و کتاب *غوالی‌اللالی*، اگر چه مشهور و فضل مؤلفش معروف است، اما پوست را از مغز جدا نموده و اخبار مخالفان متعصب را در بین روایات اصحاب جای داده است. از این رو به گزارش بخشی از آن اقتصار نموده‌ایم؛ و مانند آن است کتاب *نثر‌اللالی* و کتاب *جامع‌الاخبار*.<sup>۳</sup>

روش مؤلف *بحار‌الأنوار* در آوردن نام مصدر، استفاده از رمز اختصاصی برای هر کدام است؛ اما به چند دلیل در یاد کرد برخی منابع، این اصل نادیده گرفته شده است. یکی از این علت‌ها، کمی رجوع به آن منبع، به دلیل عامی بودن بیشتر اخبارش است. با توجه به رویکرد علامه مجلسی درباره روایات و مصادر عامه، وی برای هیچ یک از منابع ایشان نیز رمزی قرار نداده است.

۱. همان، ج ۸۷، ص ۳۳۷.

۲. همان، ج ۵۴، ص ۳۳۱.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۱.

## ج) دلائل گزارش اخبار اهل سنت

علامه مجلسی در توجیه استفاده از منابع اهل سنت و نقل اخبار و روایات ایشان می‌گوید:  
اما آثار مخالفان، تنها برای تصحیح الفاظ خیر و شناخت معانی به آن‌ها رجوع نموده‌ایم مانند صحاح جوهری و... البته گاه برای ردّ بر ایشان یا بیان مورد تقیه یا تأیید آنچه از طرق ما روایت شده، اخباری از آثار ایشان نقل کرده‌ایم.<sup>۱</sup>

مطالعه بحار الأنوار نیز نشان می‌دهد که مؤلف در نگارش کتاب، برای تصحیح و تبیین معانی واژگان به کار رفته در اخبار، از کتاب‌های لغت نگاشته شده اهل سنت، استفاده فراوانی کرده است. از عبارت بالا می‌توان فهمید که علامه مجلسی برای نقل احادیث موجود در جوامع و منابع روایی عامه، سه دلیل مهم داشته که این، علاوه بر دو علت دیگر بیان شده در ضمن مباحث کتاب است. مجموع این پنج علت عبارتند از:

۱. نقل روایات اهل سنت برای نقد و بررسی و نفی مضامین آن‌ها؛
۲. کشف موارد تقیه با توجه به موافقت روایات وارد شده از اهل بیت علیهم‌السلام با اخبار نقل شده از اهل سنت؛
۳. تأیید و تأکید احادیث روایت شده در منابع شیعه با استفاده از روایات دیگران؛  
علامه مجلسی گاه از روایات نقل شده با معنای مشترک از طریق اهل سنت نیز برای تأیید روایات امامیه، استفاده کرده است. وی در موارد متعددی با تعبیر «روی مثله من طریق العامة» و امثال آن، به وجود روایاتی با مضمونی همسان یا مشابه در منابع اهل سنت اشاره نموده است. برای نمونه، در تفسیر آیه تطهیر و در تطبیق آن به اهل بیت علیهم‌السلام، آمده است:  
برای استحکام و تأکید بیشتر، برخی از آن‌چه در آثار مخالفان ما گزارش شده و یا آن‌چه اصحاب ما از صحاح و اصول معتبر ایشان نقل نموده‌اند را ذکر می‌کنیم.
۴. نقل اخبار عامه برای اتمام حجت و احتجاج بر ایشان؛  
علامه مجلسی در ضمن مباحث کتاب، دلیل چهارمی را نیز به میان می‌آورد. او در این ارتباط دو باب با عنوان «الاحتجاج علی المخالفین بإيراد الأخبار من كتبهم» و «الاحتجاج علی المخالفین بإيراد الأخبار من صحاحهم» منعقد نموده است. مؤلف در تبیین نهی از اخذ فضائل اهل بیت علیهم‌السلام از طریق اهل سنت می‌گوید:

نهی از اعتقاد به فضائلی که تنها مخالفان آن را گزارش نموده‌اند، با جواز احتجاج بر ایشان به وسیله این اخبار، منافات ندارد؛ زیرا راهی جز آن نیست.<sup>۱</sup>

مؤلف در جایی دیگر بر این شیوه تأکید ورزیده و گفته است: «ما بخشی از اخبار گزارش شده از سوی مخالفان را برای الزام بر ایشان نقل نموده‌ایم»<sup>۲</sup>. وی هم چنین در موردی دیگر آورده است:

از محتوای این اخبار آشکار می‌شود که این روایات حجت بر ایشان است نه به نفع ایشان؛ بنابراین قصد دارم با نقل آن‌ها، این مطلب را روشن کنم و به بطلان حجت ایشان اشاره نمایم.<sup>۳</sup>

او با آن که به کتاب *وقعة صفین* از نصر بن مزاحم دسترسی داشته اما بسیاری از روایات کتاب *الفتن بحار الأنوار* را به واسطه شرح *نهج البلاغه ابن ابی الحدید* نقل می‌کند تا حجت بر مخالفان باشد. علامه مجلسی برای نقل روایات اهل سنت در این رابطه، بیشتر به کتاب *جامع الاصول* اثر ابن اثیر مراجعه نموده و احادیث وی را نقل کرده است. او در تعلیل این کار می‌گوید:

گاه اصحاب ما در آثارشان، آن احادیث را از صحاح عامه نقل نموده‌اند، در حالی که برخی از این احادیث هم اکنون در منابع معتبر ایشان موجود نیست و یا مخالف آن آمده است. این به دلیل اختلاف در نسخ و یا حذف بعضی از آن‌ها از روی دشمنی است. بنابراین مایل بودم برخی از احادیث این باب را از اصل کتب ایشان نقل کنم. به همین خاطر چون *جامع الاصول* ابن اثیر، استوارترین اثر ایشان بود از آن نقل می‌نمایم.<sup>۴</sup>

۵. استفاده از روایات اهل سنت برای تصحیح متن احادیث، کشف تصحیف یا ترجیح یکی از نسخه‌های موجود.

علامه مجلسی از روایات اهل سنت برای تصحیح متن احادیث و کشف تصحیف نیز بهره برده است. وی پس از نقل روایتی از *اکمال الدین*، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام و *خصال* که در آن‌ها آمده است: «...لَكِنْ يَهْلِكُ بَيْنَ ذَلِكَ تَيْحُ الْهَرَجِ لَيْسُوا مِنِّي وَلَسْتُ مِنْهُمْ» می‌گوید:

و فی کثیر من النسخ نتج الهرج أي من ينتج فی زمان الهرج و یحتمل أن یکون کنایة عن فساد النسب و الأصل و فی أخبار العامة مکان اللفظین *تیح أعوج*.<sup>۵</sup>

۱. همان، ج ۲۶، ص ۲۳۹.

۲. همان، ج ۳۹، ص ۱۵.

۳. همان، ج ۲۸، ص ۱۳۰. نیز رک: ج ۲۶، ص ۲۳۹، ج ۳۵، ص ۲۲۵، ج ۱، ص ۲۴.

۴. همان، ج ۳۶، ص ۳۶۴.

۵. همان، ج ۳۶، ص ۳۶۴.

وی هم چنین پس از نقل روایتی از مکارم الاخلاق از الفردوس که «...مَنْ أَكَلَ فَمَا تَخَلَّلَ فَلَا يَأْكُلُ وَمَا لَأَتْ يَلْسَانَهُ فَلْيَبْلَعْ» می‌گوید:

و فی أخبار العامة و ما لاک بلسانه. قال الطیبی فیہ ما تخلل فلیلفظ و ما لاک فلیأکل ای ما أخرجه من الأسنان بالخلال فلیلفظ.<sup>۱</sup>

علامه مجلسی پس از نقل حدیثی از کتاب /مالی شیخ صدوق که در آن آمده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَظْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ» گفته است:

بیان: سلك الله به، الباء للتعدية أى أسلكه الله فى طريق موصل إلى الجنة فى الآخرة  
أوفى الدنيا بتوفيق عمل من أعمال الخير يوصله إلى الجنة وفى طريق العامة سهل الله  
له طريقا من طرق الجنة.<sup>۲</sup>

وی هم چنین پس از نقل حدیث «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ إِلَّا أَنْ أَحَدَهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ وَقَالَ أَلَا إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي عَيْنِي الَّتِي أَوْى إِلَيْهَا أَلَا وَإِنَّ الْأَنْصَارَ تُرْسِي فَأَعْفُوا عَنْ مُسِيئَتِهِمْ وَأَعِينُوا مُحْسِنَتَهُمْ» از /مالی شیخ طوسی، آورده است:

بیان: يظهر من بعض كتب المخالفين أن مكان عيني عيبتي و مكان ترسي كرشى.<sup>۳</sup>

علامه مجلسی پس از گزارش نسخه‌های مختلف عبارت یک حدیث، یکی از آن‌ها را موافق روایات عامه معرفی نموده است. وی در شرح حدیثی دیگر نیز آورده است:

بیان: المتحابين بجلالى فى أكثر النسخ بالجيم كما فى روايات المخالفين أى  
يتحبون و يتوددون لتذكر جلالى و عظمتى لا للدنيا و أغراضها.<sup>۴</sup>

#### د) معیارهای استثنادر جواز نقل از اهل سنت

رویکرد علامه مجلسی نشان دهنده اهتمام وی بر نقل و استفاده از اخبار و روایاتی است که از طریق اهل بیت (علیهم‌السلام) و در منابع امامیه گزارش شده است؛ اما یادآوری برخی از مواردی که وی

۱. همان، ج ۶۳، ص ۴۳۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۶۴.

۳. همان، ج ۲۳، ص ۱۴۶.

۴. همان، ج ۸۴، ص ۱۳۷.



آن‌ها را استثنا نموده، خالی از فائده نیست.

(۱) علامه مجلسی درباره کتاب طب النبی ﷺ می‌گوید:

اگر چه بیشتر اخبار آن از طرق مخالفان است اما این اخبار در میان علما مشهور و رایج است.<sup>۱</sup> از این عبارت استفاده می‌شود که وی در چنین مواردی، شهرت در بین علمای امامیه را ملاک پذیرش روایات اهل سنت دانسته است. او سپس برای توجیه نقل از این کتاب، به عبارتی از خواجه نصیرالدین طوسی تمسک می‌جوید.

(۲) علامه مجلسی در معرفی کتاب شهاب الاخبار نیز می‌گوید:

اگر چه این اثر از تألیفات مخالفان است اما بیشتر مباحث آن در آثار و اخبار روایت شده از طریق ما، آمده است؛ بنابراین علمای ما بر آن اعتماد نموده و به شرح آن همت گماشته‌اند.<sup>۲</sup> این بیان نشان می‌دهد که وی در اعتبار سنجی روایات و منابع، موافقت با روایات نقل شده در منابع امامیه را یکی از ملاک‌ها می‌داند؛ اگر چه این روایات در منابع اهل سنت آمده باشد.

(۳) علامه مجلسی درباره ثعلبی و دو کتابش یعنی الکشف و البیان فی تفسیر القرآن و العرائس می‌گوید:

او به خاطر شیعه بودن و یا کمی تعصبش، بسیاری از اخبار ما را نقل کرده است؛ بنابراین بیشتر از دیگران به دو کتابش رجوع کرده‌ایم.<sup>۳</sup> وی با آنکه شیعه بودن مؤلف را قطعی نمی‌داند اما با توجه به نقل اخبار امامیه در آثارش از تردید در مذهب ثعلبی، چشم‌پوشی می‌نماید.

(۴) علامه مجلسی پس از نقل ماجرای مفصلی از ابن‌شاذان که واقدی در کتاب الفضائل درباره دوران شیرخوارگی پیامبر اکرم ﷺ و حلیمه سعدیه آورده است می‌گوید:

اگر چه به این خبر به دلیل نقلش از طریق مخالفان، اعتماد زیادی نداریم اما آن را به دلیل نکات غریبی که داشت آورده‌ام؛ چون عقل از پذیرش آنها ابائی ندارد. هم‌چنین به خاطر آن که اصحاب ما در آثارشان آن را نقل نموده‌اند.<sup>۴</sup>

این قضاوت نشان می‌دهد علاوه بر ملاک نقل اصحاب، معقول و پذیرفتنی بودن دیدگاه وی

۱. همان، ج ۱، ص ۴۲.

۲. همان.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۴؛ رک: ج ۱۴، ۱۵۹.

۴. همان، ج ۱۵، ص ۳۵۷.

نیز مد نظر است.

۵) علامه مجلسی حدیثی نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از اثری بی‌نام، نقل نموده است. در این حدیث ۲۵

سبب از اسبابی که موجب فقر می‌شوند، آمده است. او پس از نقل آن می‌گوید:

بدان که گمان می‌رود این روایت از طرق عامه باشد اما اشکالی ندارد. .... پس بدان بیشتر آن چه در این خبر آمده، در ضمن کتب اخبار نیز آمده و برخی از آن‌ها نیز از جمله موارد مشهور است.<sup>۱</sup>

وی در پذیرش این خبر، علاوه بر وجود بخش‌هایی از آن در منابع حدیثی امامیه، شهرت آن‌ها را نیز به عنوان ملاکی دیگر مطرح نموده است. او پس از نقل تعدادی از اخبار عامه در تأیید آن‌ها، به موافقت با عقل، عمومات و اخبار استناد کرده است.

از بررسی نمونه‌های بالا چنین به دست می‌آید که علامه مجلسی برای پذیرش روایات اهل سنت، ملاک‌های مختلفی را در نظر گرفته است. این معیارها عبارتند از:

۱. شهرت خبر در میان علمای شیعه؛

۲. موافقت با روایات نقل شده در منابع شیعه؛

۳. نقل خبر در منابع شیعه؛

۴. نقل پراکنده فقرات خبر در منابع شیعه؛

۵. معقول بودن مضمون خبر.

شاید بتوان مجموع این چند معیار را در «پذیرش عالمان شیعه» خلاصه نمود.

نکته‌ای که در انتها نمی‌توان از آن غفلت کرد، سکوت قابل تأمل علامه مجلسی است که در ردّ یا اثبات برخی روایات اهل سنت مطلبی ارائه نکرده‌اند. روایاتی که از طریق مصادر شیعی وی همچون آثار شیخ صدوق، *امالی* شیخ طوسی، *مناقب ابن شهر آشوب*، *بشارة المصطفی* و *تفسیر فرات الکوفی* آمده و او آن‌ها را در تألیف *بحار الأنوار* مورد استفاده و استناد قرار داده است.

به نظر می‌رسد جمع‌بندی گفته شده در موارد استثنا، بهترین پاسخ برای این نکته باشد که او پذیرش و نقل روایات اهل سنت را از سوی علمای امامیه به عنوان ملاکی اساسی در قبول و تصحیح روایت مد نظر قرار داده است. البته حدود و میزان این پذیرش جای بررسی و نقد و نظر بسیار دارد. به نظر این قلم، علامه مجلسی با توجه به تشخیص برخی از اصحاب و اعتماد به

۱. همان، ج ۷۳، ص ۳۱۷.

آراء ایشان، با مباحثات بیشتری از کنار نقل‌های آنان گذشته و روایاتی را که با موازین و معیارهای وی پذیرفتنی بوده را با لحاظ نقد متنی آن‌ها، مورد استفاده قرار داده است. در ادامه به بهره‌مندی علامه مجلسی از منابع اهل سنت در دیگر حوزه‌ها غیر از منابع حدیث، اشاره می‌شود.

## ه) منابع شرح الحدیثی اهل سنت

علامه مجلسی علاوه بر شرح‌های عالمان شیعه بر آثار حدیثی، به گستردگی از شرح‌های نوشته شده بر منابع اهل سنت نیز استفاده کرده است. برای نمونه، وی در بحث از اخبار مرتبط با واقعه غدیر خم، به شرح ابن حجر عسقلانی بر صحیح بخاری به نام «فتح الباری» اشاره کرده و به نقل از او این خبر را از ترمذی و نسائی با طرق بسیار آورده است.<sup>۱</sup> علامه مجلسی در نمونه‌ای دیگر پس از نقل خبری از علل الشرایع که در آن از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره نخستین طعام اهل بهشت نقل شده است: «أَوَّلُ طَعَامٍ يَأْكُلُهُ أَهْلُ الْجَنَّةِ فَرِيَادَةُ كَبِدِ الْخُوتِ» می‌گوید:

قال الكرمانی فی شرح البخاری زیادة الكبدة هی القطعة المنفردة المتعلقة بالكبد و هی أهنأها وأطیبها.<sup>۲</sup>

مروری گذرا در بحار الأنوار نشان می‌دهد مهم‌ترین منابع مورد استناد در این حوزه عبارتند از:

۱. شرح السنّة، حسین بن مسعود الفراء البغوی (م ۵۱۶ق)؛
۲. جامع الاصول فی احادیث الرسول، مبارک بن محمد بن الاثیر الجزری (م ۶۰۶ق)؛
۳. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن ابی‌الحدید (م ۶۵۶ق)؛
۴. شرح النووی علی صحیح مسلم، یحیی بن شرف الدمشقی النووی (م ۶۷۶ق)؛
۵. شرح المشکاة/ الکاشف عن حقائق السنن، حسن بن محمد الطیبی (م ۷۴۳ق)؛
۶. شرح الكرمانی/ شرح صحیح البخاری، محمد بن یوسف الكرمانی (م ۷۸۶ق)؛
۷. شرح الآبی علی صحیح مسلم/ اكمال اكمال المعلم، محمد بن خلیفة الوشتانی الآبی (م ۸۲۷ق)؛
۸. فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، احمد بن علی بن حجر العسقلانی (م ۸۵۲ق).

۱. همان، ج ۳۷، ص ۱۹۹.

۲. همان، ج ۸، ص ۱۷۳.

## و) منابع اهل سنت در علوم حدیث

علامه مجلسی برای دستیابی به شرح حال شخصیت‌های مختلف، به منابع رجال، تراجم و گاه آثار مرتبط با انساب مراجعه نموده و از آن‌ها گزارش کرده است. وی در بحث از شخصی به نام المیثب آورده است:

ونقل الذهبي عن الواقدي أنه قال: حبراً عالماً من بني النضير آمن بالنبي ﷺ ولذا عده الذهبي من الصحابة.

در ادامه به برخی از منابع اهل سنت در این حوزه که در تألیف بحار الأنوار مورد استناد مؤلف قرار گرفته، اشاره شده است:

۱. انساب قریش، زبیر بن بگار (م ۲۵۶ق)؛
۲. انساب الاشراف، احمد بن یحیی البلاذری (م ۲۷۹ق)؛
۳. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ق)؛
۴. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر (م ۴۶۳ق)؛
۵. الانساب، عبدالکریم بن محمد السمعی (م ۵۶۲ق)؛
۶. میزان الاعتدال فی نقد الرجال، محمد بن احمد بن عثمان الذهبی (م ۷۴۷ق)؛
۷. تاریخ ابن خلکان / وفیات الاعیان، احمد بن محمد بن خلکان (م ۶۸۱ق)؛
۸. الاصابة فی تمییز الصحابة، احمد بن علی بن حجر العسقلانی (م ۸۵۲ق).

## ز) منابع تفسیری و قرآنی اهل سنت

علامه مجلسی، تفسیرهای معروف عصر خویش را که خود نیز از آن‌ها به گستردگی بهره برده، این‌گونه معرفی می‌کند:

فإن التفاسیر المشهورة التي عليها المدار في هذه الأعصار، هي الكشاف ومفتاح الغیب ومعالمة التنزیل ومجمع البیان وجوامع الجامع وتفسیر النیشابوری وتفسیر البیضاوی!

وی در شرح آیات و روایات از میان تفاسیر و منابع علوم قرآنی اهل سنت، مطالبی را از این کتاب‌ها نقل کرده است:

۱. معانی القرآن / تفسیر الزجاج، ابراهیم بن السری الزجاج (م ۳۱۱ق)؛
۲. الكشف والبيان عن تفسیر القرآن / تفسیر الثعلبی، احمد بن محمد الثعلبی (م ۴۲۷ق)؛
۳. مفردات الفاظ القرآن، الراغب الاصفهانی (م ۴۲۵ق)؛
۴. معالم التنزیل، حسین بن مسعود الفراء البغوی (م ۵۱۶ق)؛
۵. الكشف عن حقائق التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری (م ۵۳۸ق)؛
۶. الفائق فی غریب الحدیث، محمود بن عمر الزمخشری (م ۵۳۸ق)؛
۷. التفسیر الكبير / مفاتیح الغیب، محمد بن عمر الرازی (الفخر الرازی) (م ۶۰۶ق)؛
۸. انوار التنزیل و اسرار التأویل / تفسیر البیضاوی، عبدالله بن عمر البیضاوی (م ۶۹۱ق)؛
۹. الاتقان، عبد الرحمن بن ابی بکر السیوطی (م ۹۱۱ق)؛
۱۰. الدر المنثور، عبد الرحمن بن ابی بکر السیوطی (م ۹۱۱ق).

### ح) منابع اهل سنت در تاریخ، سیره و مناقب

علامه مجلسی در اعتبارسنجی منابع بحار الأنوار از معیارهای متفاوتی بهره برده است. از مقدمه کتاب چنین برمی آید که مؤلف در ارزیابی آثار مرتبط با قصص و تاریخ، تسامح بیشتری داشته است. وی پس از طرح احتمال‌های مختلف درباره مؤلف کتاب قصص الانبیا، در خصوص این کتاب می‌گوید:

مسأله درباره این کتاب آسان است، زیرا محتوای کتاب محدود به قصص بوده و بیشتر اخبار گزارش شده در آن، برگرفته از آثار شیخ صدوق است<sup>۱</sup>.

بر این اساس، علامه مجلسی کمتر به نقد متون نقل شده از این منابع پرداخته و بیشتر تلاش خود را به جمع‌آوری و تدوین گزارش‌های مرتبط با این موضوع‌ها از منابع حدیثی شیعه، اختصاص داده است. وی هم‌چنین برای تکمیل و تمام کردن مباحث در ضمن تحلیل مطالب، نکته‌های فراوانی را از منابع تاریخ و مناقب اهل سنت نقل نموده و در بررسی وقایع تاریخی، هم‌زمان از منابع اهل سنت و امامیه استفاده کرده است. فهرست برخی آثار مؤلفان اهل سنت در این‌باره عبارتند از:

۱. المقتل، لوط بن یحیی بن سعید الازدی (ابو مخنف) (م ۱۵۷ق)؛
۲. انساب الاشراف، احمد بن یحیی البلاذری (م ۲۷۹ق)؛

۳. تاریخ الطبری، محمد بن جریر الطبری (م ۳۱۰ق)؛
۴. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج الاصفهانی (م ۳۵۶ق)؛
۵. الاغانی، ابوالفرج الاصفهانی (م ۳۵۶ق)؛
۶. مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، احمد بن موسی بن مردویه الاصفهانی (م ۴۱۰ق)؛
۷. عرائس المجالس، احمد بن محمد الثعلبی (م ۴۲۷ق)،
۸. کامل التواریخ/ الكامل/ تاریخ ابن الاثیر، مبارک بن محمد بن الاثیر الجزری (م ۶۰۶ق)؛
۹. مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، محمد بن طلحه الشافعی (م ۶۵۲ق)؛
۱۰. المنتقی فی سیر مولد النبی المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، محمد بن مسعود الکاظمی (م ۷۵۸ق)؛
۱۱. الفصول المهمه فی معرفة الائمة علیهم السلام، علی بن محمد بن الصباغ المالکی (م ۸۵۵ق)؛

### ط) منابع اهل سنت در لغت، غریب الحدیث و علوم ادبی

استفاده گسترده علامه مجلسی از شرح لغات در تبیین مراد روایات به اندازه‌ای است که می‌توان گفت کمتر بیان و ایضاحی در بحار/الأنوار وجود دارد که خالی از شرح لغت و غریب الحدیث باشد. علامه مجلسی در بسیاری از این موارد، بدون یاد کردی از منبع، به تبیین کلمات به‌کار رفته در روایت پرداخته است. به نظر می‌رسد این موارد باید از دانسته‌ها و آموخته‌های خود او برآمده باشد. در مقابل، موارد فراوانی نیز دیده می‌شود که وی منابع مورد استناد خود در شرح لغت را آورده است. به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌شود.

۱) علامه مجلسی در شرح حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که در ضمن توصیف علامت‌های جاهل فرموده‌اند: «وَإِنْ ضَحِكَ فَهَقَّ»<sup>۱</sup> می‌گوید:

أی: فتح فاه و امتلاء من الضحك، قال الجزری فیہ: إن أبغضکم إلى الثرثارون المتفیهقون هم الذین یتوسعون فی الکلام و یفتحون به أفواههم مأخوذ من الفهق و هو الامتلاء والاتساع. یقال: أفهقت الإناء فهق یفهق فهقا<sup>۲</sup>.

۲) وی برای شرح لغات، گاه احتمال‌های مختلف را بیان نموده است. برای نمونه در شرح بخشی از توحید مفضل که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «تَأْمَلُ يَا مُفْضَلُ خَلَقَ الْوَرَقَ فَإِنَّكَ تَرَى فِي الْوَرَقَةِ شِبْهَ الْعُرُوقِ مَبْثُوثَةً فِيهَا أَجْمَعُ فَمِنْهَا غِلَظٌ مُمْتَدَّةٌ فِي طُولِهَا وَعَرَضٌهَا وَمِنْهَا دِقَاقٌ تَتَخَلَّلُ الْغِلَظُ

۱. همان، ج ۱، ص ۱۱۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۲۶.

مَنْسُوجَةٌ نَسْجًا دَقِيقًا مُعْجَمًا<sup>۱</sup> می گوید:

قوله ع معجماً، لعل المراد شدة ارتباطها. قال الفيروزآبادی: باب معجم، كمكرم مقفل انتهى ويحتمل أن يكون كناية عن خفائها كقوله ع صلاة النهار عجماء<sup>۲</sup>.

۳) علامه مجلسی در شرح لغات و توضیح واژه‌های ناآشنای احادیث، علاوه بر منابع لغوی، از شرح‌های حدیث نیز استفاده کرده است. به عنوان نمونه، در شرح حدیث نبوی ع که فرموده اند: «إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَلَوَيْتُمْ بِهِ الْحُقْنَةَ وَهِيَ تُعْظَمُ الْبُطْنُ وَتُنْقَى دَاءَ الْجَوْفِ وَتُقَوَّى الْبَدَنَ اسْتَسْعِطُوا بِالْبِنْفَسِجِ وَعَلَيْكُمْ بِالْحِجَامَةِ» قول ابن حجر را از فتح الباری نقل نموده:

قال ابن حجر السعوط هو أن يستلقى على ظهره ويجعل بين كتفيه ما يرفعهما لينحدر رأسه و يقطر في أنفه ماء أو دهن فيه دواء مفرد أو مركب ليتمكن بذلك من الوصول إلى دماغه لاستخراج ما فيه من الداء بالعطاس<sup>۳</sup>.

علامه مجلسی در توضیح معنای کلمه‌ها و ترکیب‌ها، بیشتر از کتاب‌های *النهائية* ابن اثیر و *الصحاح* جوهری استفاده کرده است. برخی از منابعی که وی در شرح لغت‌ها، ترکیب‌ها، غریب الحدیث و بیان نکات ادبی بهره برده عبارتند از:

۱. *العین*، الخلیل بن احمد الفراهیدی (م ۱۷۵ق)؛

۲. *تهذیب اللغة*، محمد بن احمد الأزهری (م ۳۷۰ق)؛

۳. *الصحاح*، اسماعیل بن حماد الجوهری (م ۳۹۳ق)؛

۴. *معجم مقاییس اللغة / المقاییس*، احمد بن فارس (م ۳۹۵ق)؛

۵. *الغریبین*، احمد بن محمد الهروی (م ۴۰۱ق)؛

۶. *مفردات الفاظ القرآن*، الراغب الاصفهانی (م ۴۲۵ق)؛

۷. *مجمع الامثال*، احمد بن محمد الميدانی (م ۵۱۸ق)؛

۸. *الفائق فی غریب الحدیث*، الزمخشری (م ۵۳۸ق)؛

۹. *مستقصى الامثال*، الزمخشری (م ۵۳۸ق)؛

۱۰. *شمس العلوم*، نشوان بن سعید الحمیری (م ۵۷۳ق)؛

۱. همان، ج ۳، ص ۱۳۱.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۳۳.

۳. همان، ج ۵۹، ص ۱۱۵.

۱۱. *النهاية في غريب الحديث والاثار*، مبارك بن محمد بن الاثير الجزري (م ۶۰۶ق)؛
۱۲. *المغرب في اللغة*، ناصر بن عبدالسيد المطرزي (م ۶۱۰ق)؛
۱۳. *معنى اللبيب عن كتب الاعراب*، عبدالله بن يوسف بن هشام (م ۷۶۱ق)؛
۱۴. *المصباح المنير*، احمد بن محمد المقرئ الفيومي (م ۷۷۰ق)؛
۱۵. *القاموس المحيط*، محمد بن يعقوب الفيروزآبادي (م ۸۱۷ق).

## ی) منابع اهل سنت در کلام

علامه مجلسی از منابع کلامی نگارش یافته اهل سنت نیز بهره برده است. وی در بحث «نفی الظلم والجور عنه تعالی» پس از نقل روایتی از شیخ صدوق با اشاره به قول تفتازانی، گفته است: اعلم أن لفظ القدری يطلق في أخبارنا على الجبري وعلى التفويضي والمراد في هذا الخبر هو الثاني وقد أحال كل من الفريقين ما ورد في ذلك على الآخر قال شارح المقاصد لاخلاف في ذم القدرية<sup>۱</sup>.

مهم ترین منابع مورد استناد علامه مجلسی در حوزه کلام عبارتند از:

۱. *المحصّل*، محمد بن عمر الرازی (الفخر الرازی) (م ۶۰۶ق)؛
۲. *نهاية العقول*، محمد بن عمر الرازی (الفخر الرازی) (م ۶۰۶ق)؛
۳. *شرح المقاصد*، سعد الدین مسعود بن عمر التفتازانی (م ۷۹۱ق)؛
۴. *شرح الموافق*، السید الشریف الجرجانی (م ۸۱۶ق)؛
۵. *شرح العقائد العضدية*، محمد بن اسعد الدوانی (م ۹۱۸ق).

## ک) منابع اهل سنت در ملل و نحل

به نظر می‌رسد تنها منبع رسمی مورد استفاده علامه مجلسی در مباحث مرتبط با ملل و نحل، کتاب شهرستانی است. البته وی در موارد مختلف از دیگر آثار اهل سنت نیز برای بررسی آراء فرقه‌های گوناگون استفاده کرده است. کتاب‌هایی همچون *شرح المقاصد* از سعدالدین تفتازانی و *شرح نهج البلاغه* از ابن ابی‌الحدید. علامه مجلسی در این راستا حتی از برخی کتاب‌های لغت مثل *المغرب* از مطرزی نیز بهره برده است.

۱. همان، ج ۵، ص ۵.



## نتیجه‌گیری

۱. علامه مجلسی غیر از منابعی که در مقدمه کتاب از آن‌ها نام برده، در هنگام تألیف بحارالأنوار از منابع دیگری نیز بهره برده است. وی بخش قابل توجهی از متن این منابع را با استناد به منابع واسطه نقل کرده است.

۲. علامه مجلسی، مراجعه به احادیث اهل سنت را از جمله موارد نهی شده از سوی ائمه عليهم السلام می‌داند.

۳. مؤلف بحارالأنوار برای نقد، کشف موارد تقیه، تأیید احادیث شیعه، احتجاج و اتمام حجت بر عامه و کشف متن اصیل احادیث، اقدام به گزارش روایات اهل سنت نموده است.

۴. از بررسی نمونه‌هایی که علامه مجلسی به پذیرش اخبار عامه بدون نقد آن‌ها متمایل شده، می‌توان حدس زد که پذیرش خبر از سوی عالمان امامیه، در این رویکرد مؤثر بوده است.

۵. استناد علامه مجلسی به منابع تألیف یافته از سوی اهل سنت در حوزه‌های شرح حدیث، علوم حدیث، تفسیر و علوم قرآنی، تاریخ، سیره و مناقب، لغت، غریب الحدیث و علوم ادبی و کلام اسلامی، نشان‌دهنده گستره استفاده وی از منابع اهل سنت در تألیف بحارالأنوار است.

## کتاب‌نامه

۱. بحارالأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲. یادنامه مجلسی، به اهتمام: مهدی مهریزی و هادی ربانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹ ش.